

بررسی مسئولیت ناشی از افشای راز بیماران

نشریه پایش

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۵/۲۷

سال شانزدهم، شماره اول، بهمن - اسفند ۱۳۹۵ صص ۱۱۷-۱۲۰

[نشر الکترونیک پیش از انتشار - ۲ آبان ۹۵]

سردبیر محترم

رازداری علاوه بر اینکه وظیفه ای اخلاقی و دینی است، احترام به حفظ حریم خصوصی انسان ها و مبنای اطمینان و اعتماد در روابط میان آن ها نیز می باشد و افشای آن از هر طریقی، امری قبیح و مذموم به شمار می رود و از دیدگاه فقهی نیز حرام و نامشروع است. در پزشکی نیز راز بیمار به منزله ی امانتی است که بیمار با مراجعه به پزشک، علاوه بر تن و روان خویش، اسرارش را نیز به او سپرده است و بر این باور است که پزشک اسرار او را نگه می دارد. بدین ترتیب فلسفه ی حفظ اسرار بیمار، جلب اعتماد و اطمینان بیمار به پزشک می باشد و باید از هر آنچه موجب مخدوش شدن اعتماد میان آن ها گردد، اجتناب کند. از همین رو در آثار قدما همچون عقلی خراسانی در خلاصه الحکمه از پزشک با تعبیر "کتوماً للاسرار" یاد شده است. در مناجات نامه ی ابن میمون و آیین اخلاقی عقلی شیرازی نیز بر رعایت اصل رازداری تاکید گردیده است. در پندنامه ی اهوازی نیز چنین آمده است: "طیب باید راز بیمار را محفوظ دارد و از افشاء سرّ به خودی و بیگانه دوری جوید". هم چنین در سوگندنامه ی بقراط آمده است که: "آنچه را در ضمن انجام دادن حرفه ی خود و حتی خارج از آن درباره ی زندگی مردم خواهم دید یا خواهم شنید و نباید فاش شود به هیچ کس نخواهم نگفت، زیرا این قبیل مطالب را باید به گنجینه ی اسرار سپرد".

ذکر آنچه لازم به نظر می‌رسد این است که افشاء راز بیمار علاوه بر مسئولیت اخلاقی ممکن است مجازات و جبران خسارت را هم به دنبال داشته باشد و هم چنین خطای انتظامی پزشکی نیز به شمار رود. بدین ترتیب در ذیل ابتدا به تبیین مفهوم راز و سپس به بررسی انواع مسئولیتی که از افشاء راز بیمار برمی‌خیزد، به اجمال پرداخته خواهد شد.

سرّ در لغت به چیز پوشیده از دیگران، چیزی که انسان آن را در قفس خود پوشیده دارد [۱]، خبری که دستیابی بر آن فقط برای عده‌ی معدودی که صلاحیت دارند اطلاق می‌گردد و در اصطلاح حقوقی "امری است که نوعاً داعی بر اخفاء آن وجود داشته باشد. بنابراین اگر افرادی به ندرت میل به اخفاء امری نداشته باشند و در اظهار آن اقدام کنند، ضرری به ماهیت سرّی بودن آن ندارد یعنی سرّی بودن آن را نفی نمی‌کند" [۲]. پس آن اطلاعاتی را که هر شخصی تمایل به افشاء و آشکار شدن آن ندارد، اسرار تلقی می‌شود. در واقع، این دسته از اطلاعاتی که به گونه‌ای عرفی و بدیهی در یک جامعه، سرّ محسوب می‌شود اسرار نوعی می‌گویند که معمولاً پزشک و بیمار و حتی دیگر افراد نیز از بازگرددن آن امتناع می‌کنند و آن را حفظ می‌نمایند مانند ابتلا به ایدز و بیماری‌هایی از این قبیل. ولی آن دسته از اطلاعاتی که جامعه به عنوان سرّ و راز به آن نمی‌نگرد ولی به هر دلیلی برای بیمار مهم است که پوشیده بماند اسرار شخصی می‌گویند برای مثال مراجعه به پزشک جهت معالجه و درمان، سرّ تلقی نمی‌شود ولی بنابر اوضاع و احوال خاصی ممکن است آگاه شدن دیگران از آن، موجب ورود ضرر (اعم از مادی و معنوی) برای بیمار باشد. از این رو اغلب پزشکان از سخن گفتن راجع به بیماران خود نزد دیگران امتناع می‌کنند [۳]. بدین ترتیب انگیزه‌ی انسان در راز و سرّ بودن موثر می‌باشد. در هر صورت معیار این است که هر آنچه پزشک به واسطه‌ی گفتار بیمار یا در تعامل با بیمار از طریق معاینه، آزمایش و... از وضعیت بیمار کسب می‌کند به گونه‌ای که اگر او پزشک نبود نمی‌توانست به آن اطلاعات دست یابد راز محسوب می‌شود و هم چنین هر آنچه بیمار از پزشک حفظ آن را می‌خواهد نیز اسرار بیمار تلقی می‌گردد. الزامه‌ی تشخیص اینکه چه چیزی اسرار به شمار می‌رود بر عهده‌ی دادگاه است و افشاء در لغت به معنای آشکار کردن، پدیدار نمودن، پراکنده ساختن است [۴] پس افشاء سرّ در صورتی است که چیز نهفته و محرمانه‌ی آشکار شود. البته لازمه‌ی فاش نمودن سرّ به صورت علنی نمی‌باشد و چگونگی افشای سرّ اعم از کتبی، شفاهی و... در تحقق آن موثر نیست.

قانونگذار ممنوعیت افشاء اسرار در رابطه با پزشکان را در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات) جرم انگاری نموده است که "اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه‌ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال (حبس تعزیری درجه شش) و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی (جزای نقدی درجه هشت) محکوم می‌شوند".

بدین ترتیب مرتکبین این جرم، کسانی هستند که به مناسبت شغل و حرفه‌ی خود به اطلاعات بیمار دسترسی پیدا می‌کنند پس اگر شخصی اعم از طبیب، ماما و غیره از اسرار بیمار مطلع شود بدون اینکه این اطلاع به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود باشد در این صورت افشاء مشمول این ماده نخواهد بود [۵]. به عبارت دیگر مطلع از سرّ به دلیل پزشک بودنش باید از راز آگاه گردیده و میان اطلاع از سرّ و حرفه‌ی او رابطه‌ی علیت وجود داشته باشد. پس اگر پزشکی جهت ملاقات به منزل یکی از اقوامش برود و در آنجا متوجه بیماری یکی از آنان شود و آن را فاش کند، مرتکب جرم افشاء اسرار نشده، زیرا اطلاع از سرّ به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود نبوده است [۶]. افشای سرّ شامل مطلع کردن حتی یک نفر هم می‌شود و افشای بخشی از سرّ نیز از مصادیق این ماده است. همچنین مطلبی که قبلاً سرّ بوده ولی به طور مکرر توسط دیگران افشاء شده باشد چون بر این مطلب افشاء شده، سرّ اطلاق نمی‌شود جرم نیست [۶]. اگرچه برخی بر این باورند که در خصوص افشای مجدد سرّ توسط گروهی دیگر ابهام وجود دارد که آیا مستوجب تعدد مجازات است یا خیر [۷].

مرتکب می‌بایست عالماً و عمدتاً اقدام به افشاء سرّ نماید پس اگر افشای سرّ در حال خواب، مستی، بی‌هوشی، هیپنوتیزم و... یا از روی سهل انگاری، بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی باشد، مشمول این ماده نیست [۵] اگرچه برخی آن را مشمول این ماده می‌دانند [۷]. و قصد اضرار به بیمار یا هتک حیثیت وی برای تحقق این جرم ضرورتی ندارد زیرا این جرم از جرایم مطلق بوده و مقید به نتیجه نیست، به صرف افشای سرّ محقق می‌شود، خواه ضرر اعم از مادی یا معنوی به بیمار وارد شود یا نشود. بدین جهت اثبات ورود ضرر به کسی که اسرارش افشاء شده است نیز شرط نمی‌باشد، البته از جمله جرایم قابل گذشت است.

اما اگر افشاء راز بیمار موجب ورود ضرر اعم از مادی یا معنوی به بیمار شود، بدون توجه به داشتن یا نداشتن مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی پزشک را به دنبال دارد بدین معنا که موجب الزام پزشک به جبران خسارت ناشی از ضرری می شود که در نتیجه ی افشای راز به بیمار وارد شده است. زیرا پزشک به طور ضمنی و تلویحی تعهد به حفظ اسرار و اطلاعات دارد و افشاء آن، نقض تعهد است البته تا زمانی که افشاء راز موجب ورود خسارت به بیمار نشده است، منجر به مسئولیت مدنی پزشک نمی شود زیرا مسئولیت مدنی پزشک همواره با فرض ورود ضرر ناروا اعم از مادی یا معنوی همچون رنج و عذاب روحی، هتک حیثیت و آبرو و... به بیمار تحقق می یابد.

بنابر آنچه بیان گردید معمولاً افشای اسرار بیمار همراه با مسئولیت مدنی و کیفری پزشک است که موجب منشا دو ادعا (ادعای عمومی برای حفظ حقوق عمومی و ادعای خصوصی برای مطالبه ی جبران خسارت) می گردد که در این صورت می توان دعوی خصوصی را در برابر دادگاه جزایی نیز اقامه کرد. باید این نکته را نیز در نظر داشت که تعهد پزشک به حفظ اسرار بیمار علاوه بر دوران حیات، شامل پس از مرگ بیمار نیز می باشد و با گذشت زمان ساقط نمی شود مگر در مواردی که قانون مشخص کرده باشد. بدین جهت دادگاه کیفری فرانسه، دو پزشکی را که کتابی در خصوص بیماری و معالجات رئیس جمهور اسبق فرانسه پس از مرگ او چاپ نموده بودند را به زندان با آزادی مشروط و پرداخت غرامت محکوم کرد و توزیع کتاب را نیز ممنوع و از بازار جمع آوری کرد و علاوه بر آن، به موجب رای کانون پزشکان شهر پاریس، از طبابت نیز محروم شدند [۸].

چهره ی دیگر مسئولیت ناشی از افشاء راز بیمار، مسئولیت انتظامی پزشک است زیرا به موجب آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات شاغلین حرفه های پزشکی، حق افشای اسرار و نوع بیماری بیمار مگر به موجب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی ممنوع و ضمانت اجرای آن، مجازات انتظامی پزشکی است.

در این میان ذکر آنچه لازم به نظر می رسد این است که رازپوشی توسط پزشک، امری نسبی است بدین معنا که در مواردی با توجه به اوضاع و احوال، پزشک مجاز به افشای اسرار بیماران است و تعهد پزشک در برابر بیمار نادیده انگاشته می شود و مسئولیت پزشک را به دنبال ندارد. برای مثال، در مواردی که حفظ منافع جامعه ایجاب کند و در واقع تهدیدی علیه امنیت عمومی، جان و سلامتی مردم یا برای جلوگیری از ورود ضرر به دیگری یا اگر به موجب قانون و آیین نامه مشخص شده باشد مانند بعضی بیماری های آمیزشی (سوزاک، سفلیس،...) پزشک می بایست در این موارد به صورت محرمانه به مراجع مربوطه اطلاع دهد زیرا به نظر می رسد در پیشگیری از شیوع برخی بیماری های مسری، پزشک موظف به اطلاع رسانی به مراجع مربوطه می باشد. در این باره برخی فقهاء بر این باورند که بیان نتایج آزمایشاتی همچون آزمایش جهت ازدواج، افشاء سرّ محسوب نمی شود بلکه نوعی مشورت با طبیب است و کتمان واقعیت، خیانت در مشورت است [۹]. در نتیجه هنگامی که پزشک تشخیص می دهد آزاد گذاشتن بیمار، عواقب وخیمی برای عموم افراد جامعه دارد، به تعبیر دیگر، هنگامی که به طور مستقیم مرتبط با سلامت عمومی جامعه باشد، برای جلوگیری از اضرار به دیگران می تواند نگرانی خود را با مقامات مسئول در میان گذارد اگرچه بیمار به چنین امری رضایت نداشته باشد و یا در مواردی همچون تعیین علت مرگ، کودک آزاری و اعلام تولد، فوت، به موجب مواد ۱۵، ۲۰ و ۲۴ قانون ثبت احوال ضروری است که توسط پزشک به ثبت احوال اعلام شود یا برای پیشگیری از وقوع جرم و یا در صورت دستور مراجع قضایی در مواردی که پزشک به عنوان شاهد و مطلع از وضعیت تن و روان بیمار در دادگاه حضور می یابد و برای قاضی بازگو می کند و یا حتی در دعاوی که علیه پزشک در خصوص اهمال در انجام تعهدات و یا تخلفات حرفه ای مطرح می گردد و پزشک در مقام در دفاع از خویش است و یا اگر به رضایت بیمار باشد، و هم چنین تبادل اطلاعات بین کادر درمانی، تکمیل پرونده یا بیمه ی بیمار، پرداخت هزینه ی درمان، مرخصی های استعلاجی و گاه برای انجام تحقیقات علمی و یا حفظ مصالح عمومی، افشاء اطلاعات و اسرار بیمار قانونی تلقی می شود. البته در بعضی موارد مانند این که گزارش وضعیت بیماری که به موجب جرم آسیب دیده است افشاء سرّ محسوب می شود یا نه، تردید وجود دارد [۳] ولی حفظ مصالح اقتضاء دارد که در این صورت افشاء اسرار حرفه ای تلقی نگردد اگرچه عدم گزارش این گونه موارد نیز نباید جرم تلقی شود. زیرا اداره ی حقوقی دادگستری به این استعلام که "آیا در مواردی که مقامات بهداری و بیمارستان ها حین انجام وظیفه از وقوع جنحه یا جنایتی مطلع شوند و مراتب را به ماموران کشف جرم اعلام نمایند، مرتکب جرمی شده اند یا نه؟" چنین پاسخ داده است "مقامات بهداری و بیمارستان ها و پزشکان در صورت وقوع جرمی و اعلام نکردن به مقامات صلاحیت دار مرتکب جرمی نمی گردند".

به موجب قانون سلامت عمومی ۱۹۸۴ و بخش نامه های مربوط به خدمات پزشکی (بخش کنترل اطلاعات بیمار) در انگلیس افشای اطلاعات شخصی بدون رضایت فرد تنها در صورتی مجاز است که عدم افشای آن سبب شود بیمار یا دیگران در خطر مرگ یا خطر جدی دیگری قرار گیرند در جایی که مواجهه با خطر مزبور به حدی می باشد که اهمیتی بیش از منافع خصوصی بیمار (مبتنی بر محرمانه بودن اطلاعات) وجود داشته باشد در صورت امکان باید از فرد کسب رضایت نمود و اگر چنین امری میسر نباشد باید اطلاعات را در اختیار افراد ذی صلاح گذاشت. البته قبل از افشای اطلاعات (حتی در این مورد نیز) باید مراتب به اطلاع بیمار رسانده شود اگر او ابتدا به افشای اطلاعات رضایت داد اما بعد از این امر امتناع کرد باید دلایل او برای انجام این کار مشخص شود. در صورتی که بعد از بررسی و دلایل مزبور هم چنان افشای اطلاعات برای جلوگیری از ایراد زیان جدی، ضروری دانسته شد باید اطلاعات را در اختیار افراد مسئول قرار داد. این درحالی است که در ایالت Quebec در کانادا، هیچ پزشکی را نمی توان مجبور به افشای اسرار حرفه ای حتی در دادگاه نمود.

با تقدیم احترام

وجیهه داستانی حسین آبادی: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی
نشانی الکترونیکی: v.dastany@gmail.com

منابع

1. Dekhoda, Dictionary Persian Dekhoda. 1st Edition, Volume 2, Tehran University Publication: Tehran, 2007 [In Persian]
2. Jafari langroodi M, terminology Law, 2st Edition, Tehran, 1999 [In Persian]
3. Sadat Hosseini A, Ethics and Medical Law, Journal of Medical Council of Islamic Republic of Iran 2014; 2:172- 5 [In Persian]
4. Amid M, Dictionary Persian Amid, 8th Edition Edition, Volume3, Amir Kabir Publications: Tehran, 2001 [In Persian]
5. Hojati M, Islamic Penal Code in the current legal order, 1st Edition, Dadsetan Publications: Tehran, 2011 [In Persian]
6. Sepahvand A, crimes against persons, first edition, Tehran, Majd Publications, 2008 [In Persian]
7. Zeraat A , Islamic Penal Code in the current legal order, 1st Edition, Tehran University Publication :Tehran 2005 [In Persian]
8. Javadpur M and Tabibi Jebeli M and Raie M, Review of medical secrecy jurisprudence and law. The Journal of Medical Law 2011; 13:133-160 [In Persian]
9. Makarem Shirazi N, New a question (Makarem), 2th Edition, Imam Ali EbN Abi Taleb school publications: Qom [In Persian]